

## بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر عدم اطمینان اطلاعاتی

یونس امجدیان<sup>۱\*</sup>

مجید دانشیان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸ تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

### چکیده

این مطالعه به بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر ویژگی عدم اطمینان اطلاعاتی واحد تجاری می‌پردازد. ویژگی عدم اطمینان اطلاعاتی با معیارهای پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم، خطای پیش‌بینی سود هر سهم و تغییرپذیری بازده سهام اندازه‌گیری می‌شود. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون داده‌های تلفیقی و روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته مورد آزمون قرار می‌گیرد. از سوی دیگر پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی است و از نظر هدف این پژوهش جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های غیرمالی حاضر در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۴ می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی ۵۶ شرکت عضو نمونه آماری تحقیق نشان می‌دهد که بین دوره تصدی حسابرسی با متغیرهای پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم و خطای پیش‌بینی سود هر سهم رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد، اما متغیر تغییرپذیری بازده سهام با دوره تصدی حسابرسی رابطه معناداری ندارد؛ بنابراین افزایش در دوره تصدی حسابرسی، عدم اطمینان نسبت به اطلاعات ارائه‌شده توسط واحد تجاری را کاهش می‌دهد که این یافته، دیدگاه تخصص حسابرسان را تأیید و نگرانی در خصوص دیدگاه استقلال حسابرسان را برطرف می‌نماید.

### واژگان کلیدی

عدم اطمینان اطلاعاتی، دوره تصدی حسابرسی، پراکندگی پیش‌بینی و خطای پیش‌بینی سود، تغییرپذیری بازده سهام

۱. کارشناس ارشد حسابرسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول: [amjadyan1367@gmail.com](mailto:amjadyan1367@gmail.com))

۲. کارشناس ارشد حسابرسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران. ([majid.dbf@yahoo.com](mailto:majid.dbf@yahoo.com))

## مقدمه

مطالعات دوره تصدی حسابرسی به بررسی این امر می‌پردازند که آیا مدت طولانی رابطه حسابرسی - صاحب‌کار بر کیفیت حسابرسی تأثیر دارد یا خیر. علت و محرک این تحقیقات نیز دعوت به تغییر اجباری یا اختیاری حسابرسی است. استدلالی که در جهت تغییر حسابرسی عنوان می‌شود این است که دوره تصدی بلندمدت استقلال حسابرسی را خدشه‌دار می‌کند. استدلال مخالف نیز این است که حسابرسان از انگیزه‌های اقتصادی قوی برای حفظ استقلال برخوردارند و سازوکارهای داخلی از قبیل چرخش کارکنان برای حفظ استقلال و تردید حرفه‌ای حسابرسان کافی است (فرانسیس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). همچنین استدلال می‌شود که دوره تصدی بلندمدت تر باعث آشنایی بیشتر حسابرسی با عملیات تجاری و مسائل گزارشگری صاحب‌کار می‌شود و لذا کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد (حکیم و عمری<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰، المطلیری و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). با توجه به این موارد می‌توان متصور بود که دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت اطلاعات مالی یا تأثیر مثبت داشته و یا اینکه سرمایه‌گذاران، دوره تصدی بلندمدت تر را به‌عنوان علامتی منفی ارزیابی کرده و سبب عدم اطمینان اطلاعاتی گردد. با توجه به این دو استدلال رقیب، صرف‌نظر از مستقیم یا معکوس بودن این رابطه، انتظار می‌رود که دوره تصدی حسابرسی با عدم اطمینان اطلاعاتی رابطه داشته باشد. سازمان حسابرسی به‌عنوان شخصیت قانون‌گذاری اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در کشور، در نشریه ۱۲۳ آئین رفتار حرفه‌ای چنین بیان شده است: به‌کارگیری کارکنان ارشد در ارتباط با یک صاحب‌کار برای سال‌های متمادی ممکن است تهدید برای استقلال باشد و در چنین شرایطی حسابدار حرفه‌ای مستقل باید اقداماتی را به‌منظور حصول اطمینان از حفظ استقلال و بی‌طرفی انجام دهد. از جمله اقدامات کنترلی و حفاظت‌هایی که می‌توان در این زمینه انجام داد چرخش اعضای ارشد تیم اطمینان، درگیر نمودن یک حسابدار حرفه‌ای اضافی جهت مرور کار انجام‌شده اعضای ارشد یا مشورت در صورت لزوم و درنهایت مرور کیفیت کار به‌صورت داخلی اما مستقل است.

در این رابطه فدراسیون بین‌المللی حسابداران در آئین رفتار حرفه‌ای خود بیان می‌دارد: هنگامی که شرکای حسابرسی باتجربه و دانش لازم، محدود باشند، چرخش شریک ممکن است حفاظت مناسبی نباشد و در این رابطه باید حفاظت‌های دیگری به کار گرفته شود مثل درگیر ساختن حسابدار حرفه‌ای دیگری از داخل یا خارج مؤسسه، جهت مرور کار انجام‌شده یا در صورت لزوم جهت مشورت که ارتباطی با گروه اطمینان ندارد.

انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری و سازمان‌های ناظر حرفه از دیرباز نگران تأثیر دوره تصدی بلندمدت حسابرسی شرکت توسط یک حسابرسی بوده‌اند، سازمان‌های ناظر بر حرفه به دلیل اثرات منفی دوره تصدی بلندمدت بر استقلال حسابرسی، از آن به‌عنوان یک تهدید بر کیفیت حسابرسی یاد می‌کنند. براین اساس آن‌ها به دنبال محدود نمودن طول دوره تصدی حسابرسان در سطح مؤسسه حسابرسی و یا شرکا حسابرسی بوده‌اند و نگرانی اصلی در این زمینه این است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، استقلال حسابرسی کاهش و در نتیجه، حسابرسان تمایل بیشتری برای کنار آمدن و پذیرفتن شیوه‌های گزارشگری شرکت‌ها خواهند داشت و این به معنای کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی است. در نقطه مقابل، عده‌ای بر این باور هستند که افزایش طول دوره تصدی

<sup>1</sup> Francis

<sup>2</sup> Hakim & Omari

<sup>3</sup> Al-Mutaliri et al

باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود زیرا که حساب‌رسان برای ارتقاء کیفیت حسابرسی نیاز به شناخت کسب‌وکار خاص مشتری بوده و این دانش و شناخت در طول زمان به دست می‌آید. از این رو، این گروه اعتقاد دارند که افزایش طول دوره تصدی باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد. یکی از رویکردهایی که در بیشتر کشورها برای محدود نمودن طول دوره تصدی حسابرسی اتخاذ گردیده، استفاده از سیاست چرخش اجباری شرکا حسابرسی هست که در ایران طبق دستورالعمل سازمان بورس، مؤسسات حسابرسی بعد از گذشت ۴ سال مجاز نیستند، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت واحدی را بپذیرند. با توجه به موارد مذکور هدف این مطالعه بررسی تأثیر طول دوره تصدی حسابرس بر عدم اطمینان اطلاعاتی هست که در دو دیدگاه اثرات منفی دوره تصدی بلندمدت و اثرات مثبت دوره تصدی بلندمدت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

وجود اطلاعات محرمانه مدیران و عدم دقت در اطلاعات گزارش شده باعث افزایش ریسک اطلاعات خواهد شد. بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران تحت تأثیر ریسک اطلاعات قرار دارد. ریسک اطلاعات بستگی به میزان اطلاعات محرمانه و عدم دقت اطلاعات عمومی گزارش شده دارد. هرچه میزان اطلاعات محرمانه بیشتر و دقت اطلاعات ارائه شده کمتر باشد بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران بالاتر خواهد بود (فرانسیس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). با توجه به اینکه ریسک اطلاعات از میزان دقت در اطلاعات ارائه شده و ناتوانی اطلاعات موجود در برآورد بازده مورد انتظار ناشی می‌شود، تغییرات سود به‌عنوان شاخص ریسک اطلاعات حسابداری شناخته می‌شود. برای اینکه سود بتواند در ارزیابی عملکرد و توان سودآوری یک شرکت به استفاده کنندگان کمک کند و سرمایه‌گذاران با اتکا به اطلاعات سود، بازده مورد انتظار خود را برآورد کنند، ارائه اطلاعات باید به نحوی باشد که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش‌بینی فعالیت‌های آتی مؤثر باشد؛ بنابراین علاوه بر اینکه رقم سود گزارش شده برای سرمایه‌گذاران مهم است و بر تصمیم‌های آن‌ها تأثیر دارد، پایداری سود نیز به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی سود، مورد توجه خاص سرمایه‌گذاران است. پژوهش‌ها نشان داده است که نوسان کم و پایدار سود، حکایت از کیفیت آن دارد. به این ترتیب سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتر در سهام شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که روند سود آن‌ها با ثبات‌تر است (ابراهیمی و ذاکری، ۱۳۸۸). تاکنون پژوهش‌های مختلفی در خصوص انگیزه‌ها و محرک‌های مؤثر بر مدیریت سود انجام شده است، نتایج نشان دهد که محرک‌هایی همچون قراردادهای بدهی، طرح‌های پاداش، ساختار مالکیت و هزینه‌های سیاسی از مهم‌ترین محرک‌های مدیریت سود هستند (دی‌چو و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵). از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش خطای پیش‌بینی سود در دوره جاری و آتی است. مدیران با علاقه‌مندند که پیش‌بینی‌های آن‌ها در رابطه با سود بودجه شده تحقق یابد، چنانچه این امر محقق نشود، مدیران با استفاده از ابزارهایی سود را مدیریت می‌کنند. پژوهشگران رابطه مثبت بین قیمت سهام و خطای پیش‌بینی مدیریت را اثبات کرده و بیان می‌کنند که خطاهای پیش‌بینی مدیران از دیدگاه سرمایه‌گذاران دارای ارزش اقتصادی است. چنانچه سودها از مبلغ پیش‌بینی شده کمتر باشد، احتمالاً قیمت سهام شرکت کاهش خواهد یافت (ابراهیمی و ذاکری،

<sup>1</sup> Francis et al

<sup>2</sup> Di Cho et al

۱۳۸۸). برخی از پژوهشگران نیز به شواهدی دست یافتند که نشان می‌دهد، هنگامی که عملکرد فعلی شرکت نسبت به عملکرد مورد انتظار ضعیف باشد، مدیران شرکت تمایل دارند تا از طریق اقلام تعهدی به هموارسازی سود پیردازند و سودهای آتی را به دوره جاری منتقل کنند، همچنین هنگامی که عملکرد جاری شرکت نسبت به عملکرد مورد انتظار بهتر باشد، مدیران درصددند تا از طریق اقلام تعهدی کاهنده سود، سود را برای دوره‌های آتی ذخیره کنند، این موضوع بدین معناست که شرکت‌ها سودهای خود را در دوران مساعد کاهش داده تا بتوانند در دوران نامساعد، سود را افزایش دهند (دی فوند و پارک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷).

در این مطالعه، عدم اطمینان اطلاعاتی واحد تجاری با معیارهای تغییرپذیری بازده سهام، پراکندگی و خطای پیش‌بینی سود هر سهم، اندازه‌گیری می‌شود. تغییرپذیری بازده سهام، مستقیماً عدم اطمینان به ارزش‌گذاری سهام را اندازه‌گیری می‌کند و پراکندگی و خطای پیش‌بینی سود هر سهم نیز، عدم دقت یا میزان پراکندگی در برآورد عملکرد آتی شرکت را نشان می‌دهد.

با عنایت به موارد مذکور چگونگی تأثیرگذاری اطلاعات منتشرشده توسط مدیریت شرکت‌ها در خصوص ارزش‌گذاری سهام و همچنین در خصوص سود پیش‌بینی‌شده، تحت تأثیر کیفیت و قابلیت اطمینان اطلاعاتی هست. حسابرسی به‌عنوان بخشی از نظام راهبری شرکت، می‌تواند نقش مهمی در اعتباربخشی و حصول اطمینان از کیفیت اطلاعات ارائه‌شده توسط مدیریت به بازار سرمایه، داشته باشد. حسابرسی به‌عنوان یک سازوکار نظارتی می‌تواند باعث بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری و از جمله سود حسابداری، با استفاده از کاهش تفاوت بین وقایع اقتصادی گزارش‌شده و شرایط اقتصادی موجود گردد. نتایج تحقیقات نشان داده است که حسابرسی با کیفیت بالا، باعث کاهش مدیریت سود شده و همچنین باعث کاهش میزان خطای اندازه‌گیری سهوی مدیریت در سنجش سود می‌گردد. یکی از این عوامل تأثیرگذار، طول دوره‌ی تصدی حسابرسی هست که با نتایج متضاد و در قالب دو فرضیه "تخصیص حسابرس" و "استقلال حسابرس" ارائه شده است. فرضیه تخصیص حسابرس بر این باور است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی افزایش یافته که سبب کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی می‌گردد و همچنین فرضیه استقلال حسابرس، باعث کاهش کیفیت حسابرسی شده که در نتیجه، سبب افزایش عدم اطمینان اطلاعاتی می‌گردد. نتایج تحقیقات انجام‌شده در خصوص چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و در نهایت بر عدم اطمینان اطلاعاتی، شواهد مختلفی را برای هر دو نظریه فراهم آورده است.

### تحقیقات خارجی

جونئی دی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر اندازه شرکت، ریسک شرکت و شهرت حسابرس بر دوره تصدی حسابرس در شرکت‌های بورسی اندونزیایی پرداختند آن‌ها ۱۱۰ شرکت را برای سال‌های ۲۰۰۰ لغایت ۲۰۱۰ به‌عنوان نمونه آماری انتخاب کردند نتایج تحقیق نشان داد بین اندازه شرکت و دوره تصدی حسابرس ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد ولی بین ریسک شرکت و شهرت حسابرس با دوره تصدی حسابرس رابطه معناداری یافت نشد.

<sup>۱</sup> De Fund & Park

<sup>۲</sup> Johnny Dee et al

کارلوس و ناگی<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) به مطالعه رابطه بین کیفیت حسابرسی و چرخش مؤسسات از نقطه نظر گزارشگری مالی پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که یک رابطه مستقیم بین دوره ارتباط کوتاه مدت حسابرسی و تعداد گزارش حاوی تحریفات با اهمیت وجود دارد. به طور کلی تحریفات با اهمیت در سالهای اولیه حسابرسی رخ می دهد، لذا در این شرایط چرخش مؤسسات حسابرسی تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی می گذارد.

نتایج تحقیقات مایرس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) نشان می دهد با طولانی شدن همکاری حسابرس و صاحب کار، پراکندگی در توزیع اقلام تعهدی اختیاری کاهش می یابد؛ به عبارت دیگر، روابط طولانی مدت می تواند به اعمال قدرت از سوی حسابرسان منجر شود تا بدین وسیله دست کاری اقلام تعهدی توسط مدیریت کاهش یابد.

چویی و دوگار<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نشان دادند با افزایش دوره تصدی، تمایل حسابرسان به انتشار گزارش حاوی شرط تداوم فعالیت کاهش می یابد. کاپلی و دوسه<sup>۴</sup> (۱۹۹۳) نیز دریافته اند، حسابرسی های زیر استاندارد با افزایش دوره تصدی افزایش می یابد. دیویس و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) به رابطه مثبت بین طول دوره تصدی حسابرسی و سطح اقلام تعهدی غیر نرمال دست یافتند. مایرس و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که در شرکت های با دوره تصدی حسابرسی بلندمدت، احتمال بیشتری برای مدیریت بیش از واقع سود و انحراف سود وجود دارد. نتایج تحقیقات باتز و همکاران (۱۹۸۲) نشان می دهد قضاوت حسابرسان تحت تأثیر روابط بلندمدت حسابرس و صاحب کار است. استنلی و دیزورت<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) نشان دادند که با افزایش دوره تصدی احتمال تجدید ارائه صورت های مالی کاهش می یابد.

همچنین تحقیقاتی که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی نشان دهنده افزایش کیفیت حسابرسی یا به عبارتی کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی بوده اند عبارت اند از: پیر و اندرسون (۱۹۸۴) نشان دادند احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه حسابرسان در سال های ابتدایی کار حسابرسان افزایش می یابد. جانسون و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که قدر مطلق سطح اقلام تعهدی غیر نرمال در طی سال های اولیه تصدی حسابرسی بالاتر از سال های پایانی است. والکر و همکاران (۲۰۰۱) نیز مشاهده کردند که نرخ شکست های حسابرسی در روابط طولانی حسابرس - صاحب کار کمتر است. گل و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که کیفیت سود در سال های اولیه دوره تصدی حسابرسی پایین است. ناگی و کارسلو (۲۰۰۴) به این نتیجه دست یافتند که احتمال گزارشگری متقلبانه در سال های اولیه کار حسابرسی بیشتر است. گوش و مون (۲۰۰۵) مشاهده کردند کیفیت حسابرسی با افزایش دوره تصدی بهبود می یابد.

### تحقیقات داخلی

کرمی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی رابطه بین دوره تصدی، تخصص حسابرس در صنعت و تأخیر گزارش حسابرسی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. جامعه آماری شرکت طی سال های ۱۳۸۹ لغایت ۱۳۹۳ می - باشد نتایج تحقیق نشان دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین دوره تصدی حسابرس و تأخیر گزارش

<sup>1</sup> Carlos & Nagy

<sup>2</sup> Myers et al

<sup>3</sup> Choi & Dogar

<sup>4</sup> Capley E Dosa

<sup>5</sup> Davis et al

<sup>6</sup> Disorders

حسابرس می‌باشد همچنین رابطه‌ای معنادار بین تخصص حسابررس در صنعت و تأخیر در گزارش حسابرسی یافت نشد.

قیطانی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی تأثیر دوره تصدی حسابررس و عدم اطمینان اطلاعات پرداختند جامعه آماری آن‌ها شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران برای ۱۱۵ شرکت در دوره ۱۳۸۸-۱۳۸۳ مورد بررسی قرار دادند نتایج نشان داد بین دوره تصدی حسابرسی با متغیرهای پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم و خطای پیش‌بینی سود هر سهم رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد، اما متغیر تغییرپذیری بازده سهام با دوره تصدی حسابرسی رابطه معناداری ندارد.

وکیلی فرد و مروان جوزی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابررس و محافظه‌کاری حسابداری در ایران پرداختند آن‌ها ۸۸ شرکت بورس اوراق بهادار را برای سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند نتایج نشان داد که بین دوره تصدی حسابررس و محافظه‌کاری حسابداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابررس و تغییر حسابررس را با ارقام تعهدی اختیاری پرداختند. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار بوده که بر اساس شرایط در نظر گرفته‌شده برای انتخاب نمونه، ۲۶۰ سال-شرکت طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تجزیه و تحلیل پانلی استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که بین ارقام تعهدی اختیاری و دوره تصدی حسابررس در کلیه شرکت‌های مورد مطالعه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، لذا تغییر مؤسسات حسابرسی منجر به کاهش ارقام تعهدی و افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌گردد.

آقایی و اردکانی (۱۳۹۱) کیفیت حسابرسی را بر مدیریت سود بررسی نمودند، آن‌ها برای کیفیت حسابرسی از شاخص تخصص صنعت استفاده نمودند، نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که شرکت‌های دارای حسابررس متخصص در صنعت، دارای سطح مدیریت ارقام تعهدی اختیاری پایین‌تری می‌باشند. رجبی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که حضور طولانی‌مدت حسابررس در کنار صاحب‌کار موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نقطه نظرات مدیریت صاحب‌کار می‌شود، وضعیتی که استقلال و بی‌طرفی او را مخدوش می‌کند. کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) در مطالعه خود نشان دادند که با افزایش دوره تصدی، محافظه‌کاری نیز افزایش می‌یابد و چرخش اجباری حسابررس اثر معکوس بر روی محافظه‌کاری سود دارد.

### فرضیه‌های تحقیق

بر اساس شواهد موجود در خصوص چگونگی رابطه بین طول دوره تصدی حسابرسی و عدم اطمینان اطلاعاتی و همچنین دلایل اشاره‌شده در مبانی نظری تحقیق و با توجه به معیارهای ارزیابی ویژگی عدم اطمینان اطلاعاتی، فرضیه‌های تحقیق طراحی شده است. معیارهای ارزیابی عبارت‌اند از: پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم، خطای پیش-

بینی سود هر سهم و تغییرپذیری بازده سهام؛ بنابراین فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر ارائه می‌گردد:

۱. بین طول دوره تصدی حسابرسی و پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم رابطه معنی‌دار وجود دارد.
۲. بین طول دوره تصدی حسابرسی و خطای پیش‌بینی سود هر سهم رابطه معنی‌دار وجود دارد.
۳. بین طول دوره تصدی حسابرسی و تغییرپذیری بازده سهام رابطه معنی‌دار وجود دارد.

## روش تحقیق

این تحقیق برحسب هدف، تحقیقی کاربردی و بر اساس چگونگی جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی هست. با توجه به دسته‌بندی‌های مختلف تحقیقات توصیفی، تحقیق حاضر از نوع همبستگی هست. در این تحقیق برای آزمون وجود رابطه بین متغیرها و همچنین معنادار بودن مدل ارائه‌شده برای توضیح متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. برای این منظور مدل تحقیق به صورت زیر طراحی شده است:

$$\begin{aligned} & ForecastDispersion_{it} \quad \delta_{it} \quad \delta_1 Time \quad \delta_2 Big \quad \delta_3 Leverage \quad \delta_4 Ln.volume \\ & \quad \delta_5 Ln.Invar \quad \delta_6 Ln.TA \quad \delta_7 Loss \quad \delta_8 New \quad \delta_9 OPin \quad \delta_{10} Turnover \quad \delta_{11} RoA \\ & ForecastError_{it} \quad \delta_{it} \cdot \delta_1 Time \quad \delta_2 Big \quad \delta_3 Leverage \quad \delta_4 Ln.volume \\ & \quad \delta_5 Ln.Invar \quad \delta_6 Ln.TA \quad \delta_7 Loss \quad \delta_8 New \quad \delta_9 OPin \quad \delta_{10} Turnover \quad \delta_{11} RoA \\ & ReturnVolatility_{it} \equiv \delta_{it} \quad \delta_1 Time \quad \delta_2 Big \quad \delta_3 Leverage \quad \delta_4 Ln.volume \\ & \quad \delta_5 Ln.Invar \quad \delta_6 Ln.TA \quad \delta_7 Loss \quad \delta_8 New \quad \delta_9 OPin \quad \delta_{10} Turnover \quad \delta_{11} RoA \end{aligned}$$

Forecast Dispersion = پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم (انحراف معیار سود هر سهم پیش‌بینی شده در بودجه و تعدیلات صورت گرفته در سال t)

Forecast Error = خطای پیش‌بینی سود هر سهم (تفاوت بین سود هر سهم پیش‌بینی شده اولیه و واقعی در سال t)

Return volatility = تغییرپذیری بازده (انحراف معیار بازده‌های ۳ ماهه در طول سال t، با توجه به اینکه شرکت‌ها موظف به ارائه گزارش‌های ۳ ماهه هستند).

Time = دوره تصدی حسابرس (تعداد سال‌هایی که حسابرس در استخدام یک شرکت واحد است)

Big = کیفیت حسابرس (اگر حسابرس سازمان حسابرسی باشد، یک در غیراینصورت صفر)

Leverage = اهرم (نسبت کل بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌ها)

LnVolum = لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه

Ln Invar = پیچیدگی حسابرس (لگاریتم مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی کالا)

LnTA = اندازه واحد مورد رسیدگی (لگاریتم مجموع دارایی‌ها)

Loss = زیان (اگر صاحب کار سال گذشته زیان گزارش کرده باشد یک در غیر این صورت صفر)

New = تغییر حسابرس (اگر حسابرس تغییر کرده باشد، یک در غیراینصورت صفر)

Opin = اظهارنظر حسابرس (برای اظهارنظر مقبول حسابرس یک در غیر این صورت صفر)

Turnover = میانگین نسبت گردش معاملات روزانه (نسبت گردش روزانه برابر با حجم معاملات روزانه تقسیم بر سهام در دست سهامداران)

RoA = بازده دارایی‌ها (نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها)

## روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

برای گردآوری اطلاعات در خصوص تبیین ادبیات موضوع پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده و به منظور دستیابی به اطلاعات موردنیاز جهت پردازش فرضیه‌های پژوهش، از اطلاعات موجود در نرم-افزار شرکت ره‌آورد نوین و بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با

مراجعه به سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. در این مرحله پس از جمع آوری داده‌های آماری، برای جمع‌بندی و محاسبات موردنیاز از نرم‌افزار Excel و Eviews 9 و Minitab15 استفاده شده است. در این پژوهش، مطابق اکثر مطالعات برای ارزیابی محتوای اطلاعاتی حسابداری، از ضریب تعیین و ضرایب رگرسیون استفاده شده است. در این پژوهش از الگوی پانل با داده‌های متوازن ۲ استفاده شده است، یعنی متغیرها، تلفیقی از داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی هستند و برای هر شرکت نمونه، دوره زمانی موردبررسی مشابه است. مدل‌های پژوهش، با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته ۳ در چارچوب مقطعی توزینی ۴ تخمین زده شده است. به‌طورکلی، حداقل مربعات تعمیم‌یافته، هم خطی بین جملات پسماند را کنترل می‌کند که وقتی حداقل مربعات تعمیم‌یافته در چارچوب رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب از نظر زمانی استفاده شود، ناهمسانی واریانس را بین نمونه‌های مقطعی مختلف، کنترل می‌نماید و آثار ثابت زمانی، ویژگی‌های خاص هر نمونه را در نظر می‌گیرد. در صورت وجود ناهمسانی واریانس به‌منظور رفع آن از روش وایت استفاده شده است. به‌منظور تعیین هم خطی بین متغیرهای مستقل از آزمون عامل تورم واریانس ۵ استفاده می‌شود. در صورتی که مقدار آماره بین ۱ و ۵ باشد، مشکل هم خطی وجود ندارد.

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این تحقیق شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌استثنای شرکت‌های فعال در حوزه بانکی و مؤسسات مالی است که دارای شرایط زیر باشند:

- ۱- طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ حسابرسان خود را تغییر داده باشند.
  - ۲- سال مالی آن‌ها به پایان اسفندماه ختم شود.
  - ۳- بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ تغییر سال مالی نداشته باشند.
  - ۴- اطلاعات موردنیاز شرکت‌ها در دسترس باشند.
- با توجه به موارد مذکور تعداد ۵۶ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ که دارای شرایط فوق بودند به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی

نتایج توصیفی نمونه تحقیق در جدول ۱، آورده شده است. با توجه به اطلاعات توصیفی نمونه میانگین طول دوره تصدی حسابرسی ۴/۸۲ سال هست که بیشتر از ۴ سال دوره چرخش اجباری تعیین‌شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار هست حداقل دوره تصدی ۱ سال و حداکثر دوره تصدی ۱۱ سال هست.



جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها/شاخص	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم	۱۰۶	۷۲	۶۲۱	۰/۰۰	۱۱۸	۱/۷۸	۶/۳۰
خطای پیش‌بینی سود هر سهم	۴۱/۷۳	۱۹	۳۵۰۹	-۲۰۵۶	۴۷۱	۱/۹۷	۲۱
تغییرپذیری بازده	۵/۷۳	۴/۶۴	۲۲/۸	۰/۰۰	۴/۱۵	۱/۵۳	۶/۰۱
دوره تصدی حسابرس	۴/۸۲	۴	۱۱	۱/۰۰	۲/۸۵	۰/۳۷	۲/۱۲
کیفیت حسابرس	۰/۳۷	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۸	۰/۵۴	۱/۳۰
اهرم	۰/۶۵	۰/۶۵	۱/۱۲	۰/۲۵	۰/۱۶	-۰/۰۴	۲/۷۲
لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه	۲۲/۷	۲۳/۰۷	۲۹/۱	۱۳/۹	۲/۸۲	-۰/۴۵	۳/۲۹
پیچیدگی حسابرس	۱۱/۸	۱۱/۹	۱۵/۹	۸/۱	۱/۳	۰/۰۶	۴/۰۸
اندازه واحد مورد سیدگی	۱۲/۶۲	۱۲/۶۲	۱۶/۴۴	۹/۸۰	۱/۳۹	۰/۴۱	۲/۹۱
زیان	۰/۰۲	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۳	۷/۶۲	۵۹
تغییر حسابرس	۰/۱۵	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۶	۱/۹۶	۲/۸۳
اظهار نظر حسابرس	۰/۳۵	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۸	۰/۶۲	۱/۳۸
میانگین نسبت گردش معاملات روزانه	۰/۱۴	۰/۰۶	۱/۱۴	۰/۰۰	۰/۲۱	۲/۴۷	۹/۳۸
بازده دارایی‌ها	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۵۴	-۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۴۳	۳/۶۵

در جدول ۲، ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای مدل تحقیق گزارش شده است. بررسی همبستگی میان متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که میان متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود ندارد که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی میان این متغیرهاست.

جدول ۲: ماتریس همبستگی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم	/۱۰۰ ۱													
خطای پیش‌بینی سود هر سهم	/۱۳ ۰	/۱۰۰ ۱												
تغییرپذیری بازده	/۱۱ ۰	/۱۳ -۰	/۱۰۰ ۱											
دوره تصدی حسابرس	/۱۰۱ -۰	/۱۰۰ ۰	/۱۰۹ ۰	/۱۰۰ ۱										
کیفیت حسابرس	/۱۴ ۰	/۱۰۷ ۰	/۱۴ ۰	/۳۸ ۰	/۱۰۰ ۱									
اهرم	/۱۴ ۰	/۱۰۸ -۰	/۱۰ ۰	/۱۰ -۰	/۱۰۲ ۰	/۱۰۰ ۱								
لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه	/۱۹ ۰	/۱۰ ۰	/۱۶ ۰	/۱۰۰ ۰	/۱۰۹ ۰	/۱۰۴ ۰	/۱۰۰ ۱							
پیچیدگی حسابرس	/۱۰۴ ۰	/۱۰۲ ۰	/۱۰۲ ۰	/۱۶ ۰	/۲۶ ۰	/۲۳ ۰	/۱۶ ۰	/۱۰۰ ۱						
اندازه واحد مورد رسیدگی	/۱۰۷ ۰	/۱۳ ۰	/۱۰۹ ۰	/۱۳ ۰	/۱۶ ۰	/۱۷ ۰	/۲۳ ۰	/۸۸ ۰	/۱۰۰ ۱					
زیان	/۱۰۳ -۰	/۱۰۷ ۰	/۱۰۳ -۰	/۱۳ -۰	/۱۰۰ ۰	/۱۳ ۰	/۱۰۵ -۰	/۱۰۱ -۰	/۱۰۱ ۰	/۱۰۰ ۱				
تغییر حسابرس	/۱۰۴ -۰	/۱۰۳ -۰	/۱۰ -۰	/۴۲ -۰	/۲۸ -۰	/۱۰۷ -۰	/۱۰۲ ۰	/۱۰۴ -۰	/۱۰۱ -۰	/۱۱ ۰	/۱۰۰ ۱			
اظهار نظر حسابرس	/۱۰۷ -۰	/۱۰۷ -۰	/۱۰۵ ۰	/۱۰۹ ۰	/۱۰۳ -۰	/۲۳ -۰	/۱۰۵ -۰	/۱۴ -۰	/۱۶ -۰	/۱۰۴ ۰	/۱۰۰ ۰	/۱۰۰ ۱		
میانگین نسبت گردش معاملات روزانه	/۱۴ ۰	/۱۰۵ ۰	/۱۶ ۰	/۱۰۵ -۰	/۱۰۹ ۰	/۱۰۶ ۰	/۸۵ ۰	/۲۱ -۰	/۱۶ -۰	/۱۰۴ -۰	/۱۰۴ ۰	/۱۱ -۰	۰۰ ۱/	
بازده دارائی‌ها	/۱۰۵ -۰	/۳۱ -۰	/۱۰۴ ۰	/۱۰۲ -۰	/۱۰۱ -۰	/۲۸ -۰	/۳۵ ۰	/۱۰۳ -۰	/۱۱ -۰	/۱۱ -۰	/۱۰۴ -۰	/۲۵ ۰	۲۳ ۰/	۰۰ ۱/

## آزمون فرضیه اول

نتایج مربوط به آزمون فرضیه اول در جدول ۳ آورده شده است. با توجه به احتمال آماره  $t$  متغیر پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم (۰/۰۲)، فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌گردد، به عبارتی بین دوره تصدی حسابرسی و پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم به‌عنوان یکی از متغیرهای عدم اطمینان اطلاعاتی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش دوره تصدی حسابرسی، عدم اطمینان اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. همچنین در بین متغیرهای کنترل، متغیرهای کیفیت حسابرسی، اهرم و لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و مثبت با متغیر وابسته پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم دارند. با توجه به احتمال آماره  $F$ ، کل مدل رگرسیون مربوط به فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرها دارد. آماره  $VIF$  نیز حاکی از عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل است؛ بنابراین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه معنادار بین طول دوره تصدی حسابرسی و پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم به‌عنوان معیار عدم اطمینان اطلاعاتی را نمی‌توان رد کرد.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم			
متغیر	ضریب	احتمال آماره $t$	آماره $VIF$
مقدار ثابت	-۶۹/۴	۰/۰۰۰	
دوره تصدی حسابرسی	-۲/۹۷	۰/۰۲	۱/۴۸
کیفیت حسابرسی	۲۱/۱۹	۰/۰۳	۱/۴۴
اهرم	۱۴۸	۰/۰۰	۱/۳۷
لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه	۵/۹	۰/۰۰	۲/۱۷
پیچیدگی حسابرسی	۸/۷۵	۰/۲۴	۵/۶
اندازه واحد مورد رسیدگی	-۱۰/۷۴	۰/۱۰	۵/۷
زیان	۳۷/۲	۰/۶۷	۱/۰۸
تغییر حسابرسی	-۱۱/۸	۰/۳۱	۱/۲۷
اظهار نظر حسابرسی	-۱۱/۹	۰/۱۱	۱/۲
میانگین نسبت گردش معاملات روزانه	-۲/۲۴	۰/۹۵	۱/۸۴
بازده دارائی‌ها	-۷۶/۷	۰/۰۸	۱/۵۸
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۱	
آماره $F$		۴/۶۶	
احتمال آماره $F$		۰/۰۰	
آماره دوربین واتسون		۱/۶۵	

## آزمون فرضیه دوم

با توجه به نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم که در جدول ۴ آورده شده است متغیر مستقل دوره تصدی حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و معکوسی با متغیر وابسته خطای پیش‌بینی سود هر سهم دارد، به عبارتی فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌گردد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش در طول دوره تصدی حسابرسی، عدم اطمینان اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. در بین متغیرهای کنترل، متغیرهای اظهارنظر حسابرس، میانگین نسبت گردش معاملات روزانه و بازده دارایی‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و منفی با متغیر وابسته خطای پیش‌بینی سود هر سهم دارند و همچنین متغیرهای اهرم، لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه و زیان شرکت صاحب‌کار در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و مثبتی با متغیر وابسته خطای پیش‌بینی سود هر سهم دارند. با توجه به احتمال آماره  $F$ ، کل مدل رگرسیون مربوط به فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هست. آماره دورین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرها دارد. آماره  $VIF$  نیز حاکی از عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل هست؛ بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده، فرضیه دوم مبنی بر وجود رابطه معنادار بین دوره تصدی حسابرسی و خطای پیش‌بینی سود هر سهم به‌عنوان متغیر عدم اطمینان اطلاعاتی را نمی‌توان رد کرد.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: خطای پیش‌بینی سود هر سهم			
متغیر	ضریب	احتمال آماره $t$	آماره $VIF$
مقدار ثابت	-۳۵۵	۰/۰۸	
دوره تصدی حسابرس	-۸/۹۸	۰/۰۱	۱/۴۸
کیفیت حسابرس	-۴۴/۳۲	۰/۲۹	۱/۴۴
اهرم	۲۵۹	۰/۰۰	۱/۳۷
لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه	۲۵/۶	۰/۰۰	۲/۱۷
پیچیدگی حسابرس	۵/۹	۰/۸۶	۵/۶
اندازه واحد مورد رسیدگی	۱۱/۴	۰/۷۵	۵/۷
زیان	۹۹/۴	۰/۰۴	۱/۰۸
تغییر حسابرس	-۲۸	۰/۴۱	۱/۲۷
اظهارنظر حسابرس	-۵/۶۹	۰/۰۳	۱/۲
میانگین نسبت گردش معاملات روزانه	-۲۱۴	۰/۰۴	۱/۸۴
بازده دارایی‌ها	-۸۷۸	۰/۰۰	۱/۵۸
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۹		
آماره $F$	۳/۸۷		
احتمال آماره $F$	۰/۰۰		
آماره دورین واتسون	۱/۶۸		

### آزمون فرضیه سوم

در جدول ۵ نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم آمده است. با توجه به احتمال آماره  $t$  متغیر تغییرپذیری بازده سهام (۰/۲۸)، فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. به عبارتی بین طول دوره تصدی حسابرسی و متغیر تغییرپذیری بازده سهام به عنوان معیار عدم اطمینان اطلاعاتی رابطه معناداری وجود ندارد. از بین متغیرهای کنترل، متغیرهای کیفیت حسابرسی، اهرم، لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه، پیچیدگی حسابرسی و اندازه واحد مورد رسیدگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با متغیر وابسته تغییرپذیری بازده سهام دارند. همچنین آماره  $F$  نیز حاکی از معنادار بودن کل مدل رگرسیون مربوط به فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرها دارد. آماره  $VIF$  نیز عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیر وابسته: تغییرپذیری بازده			
متغیر	ضریب	احتمال آماره $t$	آماره $VIF$
مقدار ثابت	۰/۵۳	۰/۹۲	
دوره تصدی حسابرسی	-۰/۰۴	۰/۲۸	۱/۴۸
کیفیت حسابرسی	۲/۲	۰/۵۵	۱/۴۴
اهرم	۴/۷	۰/۰۰	۱/۳۷
لگاریتم میانگین حجم معاملات روزانه	۰/۶۰۴	۰/۷۴	۲/۱۷
پیچیدگی حسابرسی	۱/۲۸	۰/۰۰	۵/۶
اندازه واحد مورد رسیدگی	۱/۱	۰/۰۲	۵/۷
زیان	۳/۱۸	۰/۰۰	۱/۰۸
تغییر حسابرسی	-۰/۴۸	۰/۴۷	۱/۲۷
اظهار نظر حسابرسی	-۰/۷۱	۰/۰۹	۱/۲
میانگین نسبت گردش معاملات روزانه	۱/۲	۰/۵۴	۱/۸۴
بازده دارائی‌ها	۴/۰۸	۰/۰۵	۱/۵۸
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۰		
آماره $F$	۳/۵۸		
احتمال آماره $F$	۰/۰۰		
آماره دوربین واتسون	۲/۰۷		

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طوری که در مبانی نظری این مطالعه آمده است دو دیدگاه در خصوص دوره تصدی حسابرسی مطرح گردیده است، دیدگاه اول مربوط به فرضیه تخصص حسابرسی و دیدگاه دوم مربوط به فرضیه استقلال حسابرسی است.

دیدگاه تخصص حسابرِس بر این باور است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی نیز افزایش می‌یابد که به تبع، عدم اطمینان اطلاعاتی کاهش می‌یابد؛ و برعکس دیدگاه دوم یعنی استقلال حسابرِس معتقد به کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش دوره تصدی حسابرسی است که منجر به افزایش عدم اطمینان اطلاعاتی می‌گردد. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، بین دوره تصدی حسابرسی و عدم اطمینان اطلاعاتی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد، به بیان دیگر هر چه مدت همکاری حسابرِس و صاحب کار افزایش یابد، عدم اطمینان اطلاعاتی کاهش می‌یابد که بیانگر تأیید دیدگاه اول یعنی فرضیه تخصص حسابرِس هست و دیدگاه دوم یعنی فرضیه استقلال حسابرِس را نقض می‌نماید. آنچه از نتایج این تحقیق برمی‌آید این است که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، حسابرسان شناخت بیشتری از فعالیت صاحب کار کسب نموده و آگاهی آن‌ها نسبت به کار بیشتر شده و از هرگونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می‌کنند و سعی می‌کنند با به کارگیری آزمون‌های بیشتر و قوی‌تر، حسابرسی باکیفیت‌تری را انجام دهند؛ بنابراین نتایج این مطالعه نگرانی سازمان بورس را در خصوص چرخش اجباری حسابرِس در هر ۴ سال، به‌منظور جلوگیری از ایجاد روابطی که ممکن است باعث خدشه‌دار شدن استقلال حسابرِس و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی شود را برطرف می‌نماید و حتی پیشنهاد می‌نماید که دوره چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی به ۵ سال یا بیشتر، افزایش یابد که باعث افزایش توأم کیفیت حسابرسی و همچنین کاهش هزینه‌های حسابرسی ناشی از چرخش حسابرِس می‌گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد استفاده کنندگان از صورت‌های مالی در تجزیه و تحلیل، به دوره تصدی حسابرسی توجه داشته باشند و به سازمان بورس اوراق بهادار نیز پیشنهاد می‌گردد در قیمت‌گذاری سهام شرکت‌های با دوره تصدی بالای حسابرسی، به این موضوع عنایت داشته باشند.

نتایج این تحقیق مطابق با نتایج تحقیقات پیر و اندرسون، جانسون و همکاران، والکر و همکاران، گل و همکاران، ناگی و کارسلو، گوش و مون، رجبی، کرمی و بذرافشان، کاشانی پور و همکاران، نمازی و همکاران، هست؛ و مخالف با نتایج تحقیقات چویی و دوگاو، کاپلی و دوسه، دیویس و همکاران، وانسترلین، مایرس و همکاران، باتز و همکاران، استنلی و دیزورت، هست.

همچنین موضوعات زیر برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد:

۱. تکرار این پژوهش با تفکیک دوره تصدی حسابرسی به دوره‌های زمانی مختلف
۲. بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و مدیریت سود
۳. بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر عدم اطمینان اطلاعاتی
۴. بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی
۵. بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی و استقلال حسابرِس

#### منابع و مأخذ:

۱. آقایی، محمدعلی، ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۹۱)، "تخصص حسابرِس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری"، دانش حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۴-۱۷.
۲. ابراهیمی، کردلر، ذاکری، حامد. (۱۳۸۸)، "بررسی مدیریت سود با استفاده از فروش دارایی‌ها"، تحقیقات حسابداری، صص ۱۲۲-۱۳۵.

۳. رجیبی، روح اله. (۱۳۸۵)، "چالش‌های تعویض حسابرس"، مجله حسابدار رسمی، شماره ۸ و ۹، صص ۵۳-۶۲.
۴. عرب صالحی، مهدی، کاظمی، جواد، ذولفعلی‌زاده، مهرداد. (۱۳۹۰)، "بررسی رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی از دیدگاه قرارداد روانی و تعهدات عاطفی سازمانی"، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۲۷-۱۴۷.
۵. کاشانی پور، محمد، مران جوری، مهدی، مشعشی، سید محمد. (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری"، دهمین همایش ملی حسابداری دانشگاه الزهراء، صص ۸۵-۱۰۰.
۶. کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال دوم، شماره ۷، صص ۵۵-۸۰.
۷. مجتهد زاده، ویدا، آقایی، پروین. (۱۳۸۳)، "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۵۳-۷۶.
۸. نمازی، محمد، بایزیدی، انور، جبار زاده، سعید. (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله تحقیقات حسابداری، شماره ۹، صص ۴-۲۱.
9. Bates, H.L, Ingram, R.W, Reckers, M.J, (1982). "Auditor client affiliation: The impact on materiality". *Journal of Accountancy*, 60-65.
10. Choi, J.H, Doogar, R. (2005). "Auditor tenure and audit quality: evidence from going-concern qualifications issued during 1996-2001". Working Paper, Hong Kong University of Science and Technology, University of Illinois at Urbana- Champaign.
11. Copley P. and Doucet M.S. (1993). "Auditor Tenure, Fixed Fee Contracts, and the Supply of Substandard Single Audits". *Public Budgeting & Finance*, Vol.13, Issue 3, pp.23-36.
12. Davis, RL. Soo, B.S. and Trompeter, G. M. (2009). "Auditor tenure and ability to meet or beat earnings forecasts", *Contemporary Accounting Research*, No: 26, pp: 517- 548.
13. Dechow P.M., Sloan R., Sweeny, A. (1995). *Detecting Earnings Management*. *The Accounting Review*,; 70(2): 193-225.
14. De Fond M. L., Park C. W.P(1997). "Smoothing Income in Anticipation of Future Earnings". *Journal of Accounting and Economics*; 23: 115-139.
15. Francis J., R. La Fond, P., and. Schipper K. (2004). *Costs of Equity and Earnings Attributes*. *The Accounting Review*; 79: 967-1010.
16. Ghosh A. and Moon D. (2005). "Auditor Tenure and Perceptions of Audit Quality". *The Accounting Review*, Vol. 80, Issue 2, pp. 585-612.
17. Gul, F.A., Fung S.Y, and Jaggi B.L. (2009). "Earning quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors", industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, No 47, pp: 265- 280.
18. Johnson V.E., Khurana I.K. and Reynolds J.K. (2002). "Audit- firm tenure and the quality of financial Reports". *Contemporary Accounting Reserch*, Vol. 19, Issue 4, pp: 637- 660.
19. Nagy A. (2005). "Mandatory audit firm turnover, financial reporting quality, and client bargaining power: the case of Arthur Andersen". *Accounting Horizons*, Vol. 19, Issue 2, pp. 51-68.
20. Pierre K. St and Anderson J.A. (1984). "An Analysis of the Factors Associated with Lawsuits Against Public Accountants". *The Accounting Review*, Vol. 59, Issue 2, pp.242-264.

21. Myers J.N., Myers L.A. and Omer C.T. (2003). "Exploring the Term of the Auditor-client relationship and the quality of Earnings: A case for Mandatory Auditor rotation?". The Accounting Review, Vol. 78, Issue 3, pp. 779-799.
22. Stanley, J.D. and F.T. DeZoort. (2007). "Audit firm tenure and financial restatements: an analysis of industry specialization and fee effects". Journal of Accounting and Public Policy 26 (2): 131- 159.
23. Vanstraelen A. (2000). "Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality". The European Accounting Review, Vol. 9, Issue 3, pp. 419-443.
24. Walker P.L. (2001). Lewis B.L. and Casterella J.R., "Mandatory auditor rotation: Arguments and current evidence". Accounting Enquiries, Vol.10, Issue 2.





## Investigating the effect of audit tenure on Information uncertainty

Younes Amjadian<sup>1</sup>  
Majid Daneshian<sup>2</sup>

Date of Receipt: 2020/08/18 Date of Issue: 2020/08/31

### Abstract

This study investigates the effect of audit tenure on the information uncertainty characteristics of the business unit. The information uncertainty characteristic is measured by the criteria of dispersion of earnings per share forecast, earnings per share forecast error and volatility of stock returns. Research hypotheses are tested using integrated data regression and the generalized least squares method. On the other hand, the present study is a post-event type and in terms of the purpose of this study is considered as applied research. The statistical population of the study is non-financial companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2010-2016. The results of the survey of 56 member companies of the statistical sample show that there is a significant and inverse relationship between the audit tenure period with the variables of earnings forecast per share and earnings forecast error per share, but the variable of stock return with the period Audit firm does not have a significant relationship. Thus, an increase in the tenure of the audit reduces the uncertainty about the information provided by the entity, which confirms the auditor's view of expertise and addresses concerns about the auditor's view of independence.

### Keywords

Information Uncertainty, Audit tenure, Forecast Scatter and Profit Forecast Error, Stock Returns Variability

<sup>1</sup>. Master of Auditing, Islamic Azad University Qazvin Branch, Qazvin, Iran. (Corresponding Author: [amjadyan1367@gmail.com](mailto:amjadyan1367@gmail.com))

<sup>2</sup>. Master of Auditing, Islamic Azad University Qazvin Branch, Qazvin, Iran. ([majid.dbf@yahoo.com](mailto:majid.dbf@yahoo.com))

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی